

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

شماره پیاپی ۵۲ - دوره دوم ، شماره ۳۵ - پاییز ۹۳

مقاله شماره ۶ - صفحات ۱۳۱ تا ۱۵۱

سیاست و عدالت آموزشی

دکتر علی ذکاوتی قراگزلو^۱

چکیده

مقدمه وهدف: سیاست و عدالت آموزشی یکی از دل مشغولیهای مشترک کنشگران از نیمه دوم قرن بیستم و قرن بیست و یکم است. تراکم و هم افزایی به اختلال در سازه های فرامادی، جزم باوری و خشکی ویی روحی ساختار ها ، انجامیده. حاشیه نشینی ها و فقر جهانی که رو به ازدیاد و نیز وخیم تر شدن نیز دارد، پیامد رفتار های نسنجیده نارسایی سیاست و عدالت آموزشی است. روش مطالعه تحلیلی توصیفی ؛ انتقادی است و در مقام روش ارائه تجویز و راهبرد ؛ ارزشیابی و سنجش راهبرد و کارآمدی عملی متعادل و هم افزایی معیار مورد نظر این نوشته است. یافته ها: رویکرد غیرتوافقی -تهاجمی و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره کشی لجام گسیخته از انسان ، است که با صلح (در مصادیق ملی، منطقه ای و جهانی) هم در هم تنیده است و جامعه ملی و جهانی را به "جامعه پرخطر" تبدیل کرده است. غفلت وسیع است و گاه استیصال و درماندگی در برابر ترجیحات بازار و "سیستم" مانع از پیگیری مداوم معضلات مربوط به عدالت میان-نسلی و بهره برداری عادلانه از انواع منابع زمین، آب و هوا و انرژی است. در مقام جستجوی راه حل آموزه های سنت تفهیمی(درکی) و نیز مابعد ساختگرا همراه با نقد ایجابی و توسمی و توصیه های کاربردی، میانجیگری توانمند سازانه، می تواند نظر قرار گیرد.

راهبرد قابل توصیه آنست که ارزش های عدالت-محور با تدارک هماهنگی عمل، آگاهی کنشگران درک بهتر و کارآمدتری از ضرورت های فراموش شده آن را به دستور روز سیاستگذاری حکیمانه ، تبدیل کند. حقوق محرومان ، کودکان و عدالت میان-نسلی(با تفسیر موسع قانون اساسی و یا اندراج در آن) و جایگاه "اقتصاد یادگیرنده" به طور واضح تری احراز شوند که تضمین ارزش های عدالت-محور و پایداری اجتماعی اند.

واژگان کلیدی: ارزش های عدالت-محور ، کنش عدالت-محور ، سیاست گذاری، عدالت، عدالت میان نسلی.

^۱ دانشیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه و هدف

بحث در عدالت در مقام عمل و انتخاب اجتماعی شاید دلمشغولی بر می انگیزد. نظریه های انتقادی عدالت هشدار دهنده اند عدالت به معنی "قرارگرفتن هرچیز در جای خود" اگر با خوانش انتقادی همراه نباشد در شرایطی ممکن است تایید بی اخلاقی و ستم قدرتمندان مدعی عدالت هم باشد. این هابی توانند کنشگران فردی و سازمانی عامیان، عالمان، تکنوکرات ها، صاحبان منزلت و زرسالارانی باشند که با "نقادی منصفانه وضع موجود"، آزاداندیشی، پویایی، و خلاقیت، معطوف بودن به نیازهای جامعه و نقد زمان و مکان (خودآگاهی عصری)، نوپردازی و گشودن افقهای تازه مخالفتند. انقلابیون رادیکال به مثابه عدالت خواهان حرفه ای ممکن است مرجعیت سراسری پیدانکنند و ناگزیر در جستجوی حداقل انصاف و وفاق در باره آن رضا دهند. نقد عدالت از دید میناگروی بر ساخت گرایی و تخیل جامعه شناختی میلز، نظریه های هابر ماس، عدالت به مثابه آزادی از آمارتیا سن و عدالت رالز به مثابه انصاف، استعاره هایگ. ناگون می توانند به این منظور کمک کنند.

در جامعه مدنی، روش و منش عدالت (انصاف، صداقت و شجاعت اخلاقی در داوری و تصمیم) و تفاوت و امکان پیوند آن با میکروپاورها هم مطرح است. نظریه های جهانی سازی باید کمک کنند در جامعه مدنی جهانی عدالت از محدوده خرده نظام سیاست به سوی سپهر عمومی و خرده نظام های دیگر گسترش می یابد و با درک خلاقانه از نظریه ها و کاربردهای آن در زمینه داوری، انتخاب و تصمیم گیری و توزیع مناسب یا ایجاد فرصت ها با حل تعارض های مرتبط با عدالت و مشروعیت و اتخاذ شیوه توافقی به انصاف و حکمرانی خوب می توان نزدیک شدن بندگان قدرت، ثروت و منزلت، مراکز رسمی معرفت موضوع عدالت (هستی شناسی عدالت، هدف شناسی عدالت و امکان شناسی عدالت) را با گفتمان ها و منظر های مختلف ارزیابی می کنند. شاید، بارویکرد "جامعه جهانی سیال و چند مرکزی" روشنفکران بتوانند مستقل از مراکز چندقطبی قدرت در سطوح جهانی حل مسائل محلی، افقی بگشایند.

سیاست و عدالت آموزشی یکی از دل مشغولیهای مشترک کنشگران از نیمه دوم قرن بیستم و قرن بیست و یکم است. پایه های نظری رویکردها و عرصه های متنوع مدرنیته شاید با توصیف هوادار را روشنگری تناسب دارد که عدالت را حاصل کاربرد علم و فناوری در ارکان جامعه و جهان تصور می کردند. مارتین هایدگر مخالف چنین تصویری است. تکنولوژی یک وسیله نیست بلکه شیوه ای از آشکار کردن چیزها است و جهت گیری خاص با حقیقت است. و سروری بر چیزها و چگونگی رخصت عیان شدن آنها (هایدگر، ۱۳۷۳). امروز

¹ Hidger

سیاست و عدالت آموزشی درگیر با با لایه های مرتبط و متداخلی شامل سبک های مدیریت و ارزشیابی، رویکرد غیرتوافقی تهاجمی و نیز منطق اقتصادی و مدیریت فن شیفته^۱ مبتنی بر بهره وری لجام گسیخته است.

با اشاره به سخن (برک^۲، ۱۳۸۸) که می گوید "مورخان و نظریه پردازان اجتماعی فرصت این را دارند که یکدیگر را از انواع محدود اندیشی برهانند". درچشم انداز تاریخی، توسعه، پروژه ای برای یکسان سازی جهان واز بیرون است. اما در مورد ایران، چنانکه بعضی محققان مثلاً میرسپاسی اظهارنظر کرده اند، گفتمان مدرنیته به مدرنیاسیون و به توسعه و آن هم به دست دولت، فروکاسته شد و روایت روشنفکران و دولتمردان تفاوت چندان نداشت (میرسپاسی، ۱۳۸۱).

عصر نو حاصل عقلانیت دکارتی و کانتی و سازه مرکب از مولفه های ترقی، فردیت و عقلانیت نوین بوده. بسیاری از بزرگان صاحب نظر پذیرفته اند که یک مفهوم یا گفتمان ربطی است و فرازمانی، فرامکانی و فرازبانی نیست. ایده هایی مانند انسانگرایی، آزادی، تجربه گرایی، سکولاریسم، اندیشه ترقی، فایده گرایی، تجربه گرایی، دموکراسی، بوروکراسی/دیوان سالاری و تکنوکراسی و، موفقیت، و پست مدرن اندیشه ها و آرمان های مهمی در تاریخ عصر نو اند که همه با شعارهای صریح یا تلویحی تصرف بر انسان ها و بر طبیعت رابطه تنگاتنگ (ایجابی یا بعضا سلبی) دارند. پیش فرض اصلی سیاستگذاری، امروزه هم کاربرد فناوری و علم برای مداخله و تغییر زندگی است. آرمان توسعه دیگر مطلق و خود فرمان یا خود سر تلقی نمی شود و باید عادلانه و انسانی باشد. گزینه بدیل، مبانی اجتماعی سیاستگذاری دیگر و خردی نافذ تر همراه با انگیزش (تجربه روانشناختی "سیالیت"^۳ و تجربه "اوج"^۴ جامعه پذیری) را در مرکز توجه قرار می دهد. کوششی برای تلفیق عمل و نظر خردمندانه در مسیر پیشنهاد یک الگوی هنجاری و تجویزی بدیل به سوی "جامعه مهربان" ضروری است: برای گره گشایی مبتکرانه و ایجابی از فروبستگی ها، کاهش خشونت ساختار ها نسبت به سیاست و عدالت آموزشی و گسترش تاثیر عامل^۵ نیاز است. آموزه های سنت تفهیمی (درکی) همراه با نقد ایجابی و توسعه و در مقام توصیه های کاربردی، میانجیگری توانمند سازانه، نظر قرار گیرد.

ارزش ها (اخلاقی و زیباشناختی) و ارزش های عدالت-محور باتوانایی و انگیزه امتزاج و ارتباط افقهای

¹ Technophilia

² Peter Breck

³ Flow

⁴ Peak

⁵ Agent

گروه‌های ذی نفعان و وفاق از کنش مدیریت، مکانیستی و فن سالارانه نظم اجباری، غیر تعاملی و خاص گرایانه فراتر می رود و از چانه زنی متعارف بر می گذرد و به کنشگری زنده، ارزش های عدالت-محور و مبتکرانه و ایجابی، کاهش خشونت ساختار ها و گسترش تاثیر عامل ۱ به تحول در ساختارها و به تحول نهادی و نظم و وفاق عدالت-محور، امکان رابطه سازنده بین نظم دموکراتیک و تغییر مداخله بسیار سنجیده و غیر تهاجمی هم راه می گشاید. رویکرد برنامه هاو رویکرد غیرتوافقی تهاجمی با قدرت بوروکراتیک و سرمایه و نقدینه عمومی، راهی سخت گیرانه^۲ پیموده اند. این راه می تواند مکانیکی، باشد، و امکانها، بدیل ها و حدود مداخله را جزم گرایانه، خاص گرایانه شناسایی و تعریف کند. اما گزینه بدیل ارزش های عدالت-محور و اخلاق عشق (تجربه روانشناختی "سیالیت" ۳ و تجربه "وج" ۴ جامعه پذیری) را در مرکز توجه قرار می دهد.

مفروض است که اصل بر سلامت و تعادل است موفقیت هر نهاد سیاستگذار مشروط است به سلامت کنشگران آن. که ماموریت، اهداف، و استراتژی، سیاست ها، برنامه های اجرایی، دستگاه های مسئول، دستگاه همکار و ارزشیابی کارآمد و موثر را بخوبی هماهنگ سازد. وقتی هواپیمایی سقوط می کند، معمولاً اشتباهی رخ داده که خطای فنی یا خطای انسانی است. خطا ها و "کناهان" همگی این قدر آشکار و بارز نیست. اگر کنشگران فردی و سازمانی تعاملی و توافقی، با سلامت و مسئولانه و عاشقانه سیاستگذاری کنند، می توانند برای کاهش معنی دار هر دو گونه خطا را مدیریت کنند. در جامعه انسانی هم اگر سقوط یا اختلالی هست ناشی از ناکارکردی نظام اخلاقی و نظام قانونی است. در این مورد هم افراد با سلامت و دقت کار کنند، می توانند هر دو گونه خطا را مدیریت کنند. سیاست های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه، سیلاب، رانش زمین، آلودگی و ریزگرد ها غالباً طبیعی نیستند. فقر و مسکن^۵ هم که به کشتار آرام خود ادامه می دهد، طبیعی نیستند. بسیاری از "بلایای طبیعی و حاشیه نشینی که در بسیاری از نقاط جهان رو به ازدیاد و نیز وخیم تر شدن است، ناشی از رفتار های نسنجیده است.

توسعه و ساختار های فرا فردی کلان یکی از دلمشغولیهای مشترک کنشگران از نیمه دوم قرن بیستم و قرن بیست و یکم است. با اشاره به سخن برک (برک، ۱۳۸۱) که می گوید "مورخان و نظریه پردازان اجتماعی فرصت این را دارند که یکدیگر را از انواع محدود اندیشی برهانند". در چشم انداز تاریخی، توسعه، پروژه ای

¹ Agent

² Hardline policy

³ Flow

⁴ Peak

⁵ Miserablity

محدوداندیشانه برای یکسان سازی جهان از راه ساختارهای فرا فردی واز بیرون و با تکنوکراسی و مدیریت فن^۱ شیفته است.

اما در مورد ایران، چنانکه بعضی محققان مثلاً میرسپاسی اظهارنظر کرده اند، گفتمان مدرنیته به مدرنیاسیون و به توسعه و آن هم به دست دولت، فروکاسته شد و روایت روشنفکران و دولتمردان تفاوت چندان نداشت (میرسپاسی، ۱۳۸۱). علقه انسانی در علوم انسانی کوششی برای رهایی از این اسارت و عسرت و تنگناها است. این جنبه به اشکال مصیبت بار و غیرعادلانه سیاستگذاری توسعه با قواعد غالباً غیرتوافقی مدرنیاسیون تعبیر شده است. ویلارد^۱ می نویسد: در ادبیات مربوط، کوشش کسانی چون ویلیم گادوین و دیگر سوسیالیست های "تخیلی" و "علمی" و مخالفان آنان مانند مالتوس، با راهبرد بنیادی تقلیل گرایانه مدرنیاسیون در عمل به دولت گرایی تمامت خواه انجامید (۱۹۹۲).

تعبیر سیاستگذاری توسعه با قواعد غالباً غیرتوافقی، بیانگر اجرای دلالت های رویکرد آلفوریتمی (روندی عملی) است با این اوصاف: تاکید بر وجوه مادی عناصر، تشخیص خطوط اصلی و فرعی، پیش بینی پذیری، کاربردی بودن، شفاف بودن، بهبودبخشی، به اندازه و متناسب (از جمله زمان بندی مناسب)، تاکید بر مصادیق بهینه، کمیت پذیر، دقیق و ریاضی، و ارزشیابی پذیر بودن امور و یا محصول و خروجی. بعضی مغالطه ها، خطاها و تحریف های احتمالی را می توان در متونی چون نوشته های اسکات بازشناخت (اسکات، ۱۳۸۳).

روش شناسی مطالعه

شناخت لایه های مرتبط و متداخلی شامل سیاستگذاری و مدیریت فن^۱ شیفته، رویکرد غیرتوافقی/تهاجمی و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره وری لجام گسیخته و راه های برون رفت، ضرورت دارد. در دنیای پیشامدرن، شکاف هستی شناختی بین فرهنگ و طبیعت این قدر ژرف نبود. فرایند تعامل سازه های مادی با سازه های فرامادی^۲ و هماهنگی ابزارها با هدف ها، نیازها پیچیده و چند لایه است. رهایی از تقلیل گرایی/ مکانیستی و گرایش به رضایت حداکثری گروه های هدف و "بی روح" نبودن فرایند ها و برون داد ها. و این مبتنی بر تواضع محققانه، خرد و حکمتی است: همه چیز را نمی دانیم. آنچه امیدواریم یا انتظار داریم بدانیم نیمرخ احتمالی برخی از تعینات است که در نهادها، سازمان ها، ساختارهای عینی، ساختارهای حقوقی و عرفی انتزاعی و در "شخصیت" کنشگران و ذی نفعان، مشاهده یا فهم می شود.

سیاستگذاری یکطرفه، خاص گرایانه، جزمی و تهاجمی چون در "فرایند" ارزش های عدالت-محور و اتخاذ میانجیگری اجتماعی و تجمیع خواسته های ذی نفعان و کنشگران شکل نمی گیرد، به اختلال در سازه های فرامادی، جزم باوری و خشکی وبی روحی ساختارها، انجامیده. درگزینه ارزش های عدالت-محور،

¹ Willard

² David Scott

جلب شرکت، سازگاری فعالانه و همکاری دائم و یادگیری عمرپای/ عمرآزگار یا عمرپیما ذی نفعان ضروری است. در حوزه مطالعات فرهنگی برای پشتیبانی ارزش های عدالت-محور و سیاست گذاری راهبردی از پوزیتیویسم و دو انگاری های رایج و غیر ضروری "ذات باوری" مرسوم از "هسته سخت" مرزها فراتر می روند و از تعیین های انضمامی "ثابت" و "دائم" پیش بینی پذیر به سوی کیفیت ها، فرایندها، مطالعه ارزش هاو دانایی و غنای مداوم "حکمت" دانش ضمنی و پنهان بومی، فناوری سبز، هدف ها، مبانی، نمادها و همراه و در حین عمل و کنش اجتماعی حرکت می کنند. همه چیز را در مورد فرد، فرهنگ و جامعه نمی دانیم. آنچه امیدواریم یا انتظار داریم بدانیم نیمرخ احتمالی برخی از تعینات است که در نهادها، سازمان ها، ساختارهای عینی، ساختارهای حقوقی و عرفی انتزاعی و در "شخصیت" کنشگران و ذی نفعان، مشاهده یا فهم می شود. فرهنگ شامل گفتمان، نقشه بازنمایی، کنش، معیارها، بیان و ابراز عواطف است. علم نظام خاص بازنمایی و فناوری نظام مبتنی بر عمل-علم است. فناوری و علم گرچه بخشی از فرهنگ اند اما می توانند با مداخله متمرکز و اتکای انحصاری بر ساختارهای فرافردی موجب تاخر یا پسا هنجاری و حتی تعارض فرهنگی نیز باشند. در ادبیات مربوط آمده است که "...در اینگونه مداخلات به "علم" [فناوری] توجه شده اما از دیسپلین و معرفت غفلت ورزیده اند" (سازمان ملل^۱، ۱۹۸۷). با دیسپلینی به نام ارزش های عدالت-محور، قرار است از این غفلت رها شویم.

پیکره

اگر سیاست و عدالت آموزشی در تجربه زیسته زیست جهان عاملان و حاملان آن به وسیله نیروهای اجتماعی موجود و نیروهای فرهنگی موجود تولید شود و ارزش ها نسبت به نشانگان فرهنگی، سنت، دین، عرف و زمینه های عدالت میان نسلی، عدالت رویه ای، توزیعی و... متصل باشد هر نسل به "ابداع سنت" و بازسازی مبتکرانه "ارزش های عدالت-محور" با توجه به زمان و مکان می پردازد. فرایند تفکر و کنش دانشگرانه برای فهم پیچیدگی ها و به هنگام مواجهه با مسائل، تعقل در داوری کردن، توانایی بررسی مداوم هدفها و روش ها و نتایج و کیفیت ها، قانون طلایی و حتی سقراطی امروز درک بهترین چیدمان، نظم در موضوعات پیچیده، روشن اندیشی با ارزش های عدالت-محور تلفیق شود.

در چارچوب ارزش های عدالت-محور سیاستگذاری فارغ از رویکرد تهاجمی، تنگ نظری، جزم باوری و خشکی ساختار ها، تک گویی، یکسونگری، صورت می گیرد. در افق هدف هایی چون رشد هویت ها، تمایز یافتگی، مشابهت ها و تفاوت های معنادار، تفکر خلاقیت، کیفیت زندگی، ارزش شناسی، غایت شناسی جهان شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی جدیدی آفریده می شود و در قالب معرفت نهادی و رویکرد چاره

¹ Guidelines for Development United Nations

گرانه و ارتباط جویانه، توافقی و وفاق - محور را مستقر می سازند .

سطوح کنش در هر برنامه برای مداخله، برای ارزش های عدالت-محور با شرکت، همکاری دائم و یادگیری عمرپای/ عمرآزگار یا عمرپیما معنوا استقرار می یابد. ارزش ها (اخلاقی و زیباشناختی) و تجارب کیفی " تجربه از جنس گوشت و خون"، عمق و تمامیت وجود، نیازهای لایه مند فرد را نمایان تر می سازند. در افق این نوشته، مطالعه انضمامی هستی واقعاً موجود و ممکن انسان ونه- لزوما هستی "کامل" - او، بررسی رابطه سازه های مادی با سازه های فرامادی- در جامعه پیچیده و اموری است که ذی نفعان، گروه های اجتماعی پر شمار وسیعی را تشکیل می دهند. همگرایی آرمانهای هستی شناختی یا "اعتباری حقیقی" برآمده از اخلاق فضیلت-مدار و ارزش های ثابت دائم مطلق با سنت های ملی و قومی تاریخی از سوی دیگر در شرایط قواعد غالباً غیرتوافقی سیاستگذاری های رایج متزلزل و دگرگون می شود و با شاخص ها و نشانگان فرهنگی مدرنیته مانند قواعد غالباً غیرتوافقی سیاستگذاری های رایج و "پیشرفت" بی امان، رقابت و تعارض جانفرسایی شکل میگیرد و ارزش های عدالت-محور مغفول میماند.

رابطه انسان عامل و ساختارها یکجانبه نیست. توهم مالکیت مهاجمانه، تقلیل گرایی ناموجه و ساده سازی مفرط است. حصر شناختی، تحریف، ابهام و خلط معانی و بی توجهی به تفکیک ساختاری و نبود تلفیق متعادل تمایز یافتگی ها از خطا های رایج است. فهم زندگی و کنش آن به مثابه یک کل کمتر به خطا می رود و تقلیل گرایی و غفلت مداوم از خصلت هولوغرافیک هستی شناختی و ارتباط -محور ارزش های عدالت-محور (یکی در همه و همه در یکی) و حصر روش شناختی پیش هنگام و ناموجه است. خطای شناختی می تواند در عرصه کنش مداخله به یکسان انگاشتن نظم یکجانبه مکانیکی با نظم و وفاق و همگرا، و در عرصه انسانی به تلقی از انسان به مثابه ارگانیزم مستعد دست آموزگری یا سزاوار و مستعد آن بیانجامد. نتیجه تحریف و خطای شناختی بی توجهی به منطق کائنات، معرفت و دانش و مطالبات و چشم اندازهای دیگران و همه ذی نفعان است. براین فی می نویسد: "...به فشارهای داخلی، مقاومت، درگیری و ناتوانی مرکز برای کنترل و تثبیت پیرامون توجه کنید و از این رهگذر ابهام و تناقض و تضاد را در همه جا ببینید" (فی^۱)، ترجمه دیهیمی، (۱۳۸۱).

برای تعیین هدف های کلی سیاست و عدالت آموزشی امکان سنجی و نیاز سنجی ترکیبی صورت می گیرد زیرا روند تکاملی حفظ محیط زیست نیز مانند نگرش به کیفیت زندگی و متغیرهای مربوط بوده است. همان گونه که روند رشد و تحول نگرش کنترل و نظارت بر کیفیت محصول طی چند دهه ی گذشته، از کنترل نهایی به سوی کنترل فرآیندگرایی محصول، و در نهایت منجر به ایجاد سیستم هایی با بهبود مستمر

¹ Berian Fey

در تمام ابعاد زندگی- و نه رویکرد رادیکال- شده است. حرکتی به سوی بوم شناسی (اکولوژی) مسئولانه آغاز شده و گسترش یافته است که عناصر آن در مقایسه با الگوهای اجتماعی رایج و مسلط (مابکل راد، ۱۳۸۳؛ جانفرسا، ۱۳۷۶؛ خوانساری، ۱۳۷۹؛ محمدی فاضل، صفایی ۱۳۷۹).

مدیریت کارآمد خود در گرو ارزش های عدالت-محور است. آرمان توسعه درآفاق هستی از راه شناخت علمی و تصرف در آن به دستیاری فناوری ارزش های عدالت-محور در عاملان به قدر کافی و به تعداد کافی آنان تحقق نیافت و از همین روی دلدادگان توسعه و تجدد، ترقی از جمله عدالت و دموکراسی را با رفاه "توسعه اشیا" و توسعه کالبدی و رویکرد مکانیستی، ارزان سودا کردند.

درک معنوی توانایی لذت بردن از رمز گشودن و رمز آفرینی ارزش های عدالت-محور و غیر مکانیکی است. فرهنگ، وظیفه محور و غالباً تعادل بخش و نمایانگر نقشه و حافظه هماهنگی و هم‌رنگی سازه های مادی و فرامادی و هنجارهای آشکار و نشانه ها و زمینه اقدام مشترک و مداخله است. اما ارزش های عدالت-محور (بانگیزه و توانایی ارتباط و امتزاج افق های گروه های ذی نفعان و کنشگران)، فرایندی درونی-بیرونی-درونی و فرهنگ بیرونی-درونی-بیرونی است. نیرو و لنگرگاه آن عشق، همدلی، گسترش، تولید نمادها و معانی درونی و شوق فرا روندگی و گشایش پیچیدگی ها و رمز ها و رسیدن به نماد های نواست. ارزش های عدالت-محور، گاه تنها کلید فهم تعامل اجتماعی و زندگی است؛ روایتی بین الاذهانی متکثر و چندآوایی^۱، از ادراک محیطی^۲، ارتباط و امر کیفی، و رهایی از تک معنایی دارد و باتکیه به امکان انتزاع فردیت روان شناختی از جمله سبک های معنویت و معنا بخشی به زندگی راهی به سوی فهم منظر مشترک می‌گشاید. ارزش های عدالت-محور نوری بر گزینه های نوین شهودی متنوع می تاباند که امکانات انسان به نسبت وسعت جغرافیا و قلمرو عمق او رها و آزاد می شود. ارزش های عدالت-محور با مؤلفه های آزادی، سادگی، و پیچیدگی و گاه با مؤلفه انس و هماهنگی سر و کار دارد. مؤلفه پیچیدگی، کنشگر فردی، اجتماعی و سازمانی را با چالشی مملو از اختیار و بنا براین عمل اخلاقی و زیباشناختی مواجه می سازد. برای مداخله و استقلال فردی، ارتباط، وفاق، همدلی و یگانگی لذت بخش با هستی و دیگران در عین استقلال و فردیت خلاق اعتماد اجتماعی رمز و شور تولید معنی، کشف فراروندگی، شور زندگی و احساس رضامندی درگیر می سازد. برای همسوسازی رویکرد هنجاری یا تجویزی بایک رویکرد توصیفی و واقعی نیاز به تصریح جهت گیری معنوی داریم. به نظر نگارنده این روش با تاکید بر راه حل های بدیل، ارتباط-محور و وفاق جویانه به حدس فرهیخته

¹ Polyphony

² Environmental perception

وار^۱ راه می برد که پیشرفته ترو زاینده ترازالگوهای سمانتیک و ترسیم کننده حدود حفظ سنن هم هست. در روش شناسی مطالعه، نگاه توسعی^۲، دوری از تقلیل گرایی، حفظ فاصله انتقادی از پوزیتیویسم و دو انگاری های رایج و "ذات باوری" مرسوم، دیالکتیک چند روشی، فهم ایجابی از نیازها و رهایی از نظام تک معنایی و سازمان یافته ضروری است.

این فرایند را نباید نادیده گرفت که زمینه، روش ها و روندهای پدیده جهانی شدن و "تمدن اطلاعاتی" حدود و وسعت و ژرفای پدیده ها و دامنه ادراک محیطی نسبت به مداخله و سیاستگذاری غیر تعاملی - واز جمله خرد و کلان - در تغییر وضع و وزن بوده است. سرمایه طبیعی، امید، اعتماد، انتظارات و تعهدات در طول زمان اگر از راه انسجام سازه های مادی و فرامادی نتواند تجدید شود مستهلک می شود. حفظ و ارتقای سازه های فرامادی و تجدید مداوم سنن و جلوگیری از استهلاک و زوال سرمایه طبیعی به رویکرد کیفی^۳ و ارزش های عدالت-محور (از جمله عدالت میان-نسلی) نیاز دارد.

از روش های کمی و استاندارد و اتیک، گریزی نیست اما درافق این نوشته، آنها کارکرد "کارراهگی"^۴ دارند و کارکرد "کاربنی"^۵ ندارند. فرانظریه رابطه کیفی سازه های مادی با سازه های فرامادی نیازهای پیچیده و چندلایه است که تنها با "علم" قابل شناخت و ارزیابی نیست و به رویکرد چند منطقی، حکمت، فرهیختگی، دانایی و معارف و ارزش های عدالت-محور ها باید امید داشت. معنی پذیرفتنی مداخله و مبادرت به اعمال اراده و عمل تغییر در محیط فیزیکی و اجتماعی و روانشناختی موردنظر نویسنده شامل است بر: وفاق و ارتباط-محور همه ذی نفعان؛ انتظار این است که هرگونه اقدام و مداخله در قلمرو در دسترس تر زندگی ذی نفعان به دانایی و "حکمت" ارتباط فرد، با ماورای طبیعت، فرد با خود و با جامعه یا محیط زندگی (انسانی و فیزیکی چشم دوخته باشد. پدیدارشناسی می تواند تفاوت نظم اجباری، غیر تعاملی و خاص گرایانه و نظم و وفاق توافقی، تعاملی، عادلانه و برآمدنی^۶ و نه پیش ساخته را روشن سازد.^۷

²¹ Educated guess

² Explanatory approach

³ Glaser and Strauss: Developing Grounded Theory: درباره رویکرد کیفی
faculty.babson.edu/krollag/org_site/craft_articles/glaser_strauss.html

^۴ نگارنده این ترکیب را معادل "طریقت" ساخته است

^۵ نگارنده این ترکیب را معادل "موضوعیت" ساخته است.

⁶ Emergent

^۷ در دوره اسلامی [م] معروف به "میان پرده ایرانی" دوره طلایی تمدن اسلامی^۷ در ایران، تقلا پر کشمکش اما رضایت بخشی برای همگرایی قدرت و مشروعیت دینی با ضرورت های "عرفی" صورت گرفت. به نظر نگارنده ایرانیان آن زمان، "برهان، عرفان و قرآن" را از آن خود کردند و بدینگونه از تلائم این سه نظامی برآمد که برای مرمان زمانه اش رضایت بخش بود.

زاویه نگاه نگارنده این است که برای نزدیک شدن به یک فرانظریه کارآمد، ساختاریابی و دیدگاه انتقادی با دیدگاه ساختار سازی (یا بر ساخت گرایی) و نیز نظریه ساختار -کنشگر و به تناسب با تاملات فرهنگی، تاریخی، و برپایی و تقویت و ارتقای ارزش های عدالت-محور ترکیب شود. گیدنز می نویسد: "... هشدارمهم جامعه‌شناسی امروز این است که ذهن پژوهشگر را از تصویرهایی که جامعه را تحت سیطره نظم‌مطلق‌نشان‌می‌دهد، رها کند و نشان دهد که انسان مخلوق جامعه نیست، خالق آن است" (کلمن، جیمز^۱، ۱۳۷۷). برای سیاستگذاری، پیوند ارزش های عدالت-محور، فرهنگ عرصه عمومی و تصمیم گیری حکیمانه در چارچوب "اقتصاد یادگیرنده" ضرورت دارد: ۱- رویکرد مردمی و دموکراتیک ۲- عدالت اجتماعی و فرصت های برابر ۳- عدم خشونت ۴- عدم تمرکز ۵- اقتصاد مبتنی بر جامعه ۶- و عدالت اقتصادی ۷- و عدالت اقتصادی ۷- احترام به تنوع زیستی-فرهنگی-اجتماعی ۸- مسئولیت شخصی و کلی ۹- فرایند آینده نگرانه ۱۰- پایداری عدالت-محور (برگرفته از سایت gp.org).

روش شناسی مداخله در فرهنگ و کنش انسانی در چارچوبی با هدف عاملیت و آزادی و مسئولیت کنشگران فردی، سازمانی و اجتماعی (کنشگران چند فرهنگی) است. این ترکیبی است از روایت فرد از هویت ها، تمایز یافتگی، مشابهت ها و تفاوت ها، و امکان تفکر انتقادی. انسان ها با تحرک ایجابی و رویکرد چاره گرانه و ارتباط جویانه و وفاق-محور کنش آفرینی خواهند کرد و دیگر مستعد و مستحق اجبار، فریب، تسطیح هویت و دستاموزگری تلقی نمی شوند. در این مسیر آنان به معنا، فراروندگی، دانش و مهارت های لازم برای ارزش های عدالت-محور و اعتماد، ارکان سرمایه‌ی اجتماعی روابط، اعتماد، تعهدات، و شبکه اطلاعات نیاز دارند. در سطح کنش فردی و اخلاق و دینی این همان معنویت است مشتمل بر معناجویی، روابط پرمعنا، هدفمندی و دانش تعالی (برگرفته از au.reachout.com). تعابیر مطمئنی چون "تاسیس بهشت زمینی"، جامعه دانش بنیان از یکسو و تعابیر تند (و شاید بسیار بدبینانه ای) چون "توسعه اشیاء" و "پیرانشهر، یا "خرابستان"^۲ در امر اجتماعی، مداخله اجتماعی، تصور "نظم" فرایندها و "امکانات" باید توجه کرد که هر چند فرض "کاتالاکسی" پدیده‌ها را گاه تا حد بی‌نظمی و آشوبناکی جلوه‌گر می‌سازد اما سازه های پیچیده بی‌نظم و "آشوبناک" و پر از ناشناخته ها نیز نظم‌ی نهان یا حداقل چندگانه و گاه تفریدی^۳ دارد. برای حل مساله پیچیدگی یکی از راه ها استفاده از داده های بزرگ^۴، تنوع هوش مصنوعی است (هوش مصنوعی در واقع استعاره همراه کننده ای است زیرا الگوبرداری یک بعدی از هوش طبیعت است). راه حصول این داده ها در

¹ James Kelman

² Destopia

³ Ideographic

⁴ Mega data

پدیده های انسانی سخت باریک است. در واقع این پیچیدگی را، افزون بر کاربرد داده های بزرگ، خبرگی و ارزش های عدالت-محور عاملان است که برحسب موقعیت می گشاید و برای بهسازی و تغییر قواعد آن به کار ابداع و ساختارسازی و امتزاج و ارتباط افق ها و وفاق بر می آید.

هر رویکرد اقدام و مداخله محیط زیستی /شهرسازی، معماری و عمرانی باید از دیدی کیفی کاربردی و بیرونی سازی ارزش هانیزارزیابی شود. این کنش ها اگر با خلاقیت همپیوند نباشند ناگزیر برای باز تولید مقلدانه و نه مبتکرانه "دیگری" آمادگی دارند. انتظار از سیاستگذاری به معنای پذیرفتنی، این است که ابتدا در قلمروهای در دسترس تر سطوح مادی اقتصاد، سیاست و فرهنگ افزایش فضای عقلانی، آرمانی و معنوی کنش ها و کرامت انسانی؛ تعریض، خلق، ابداع و انشاء فرصت ها برای حل مساله، کاهش اختلالات، و سپس در قلمروهای فرامادی مداخله مورد هم سنجی و باهم نگرانی ارزش های عدالت-محور قرار گیرد. شرکت ذی نفعان، فرایند و قدرت را در مراحل و در وجوه توزیعی و رابطه ای کنترل می کند. وجه انصاف و عدالت خواهی و وجه ارتقای آن (بعد فرامادی: جنبه استعلایی، رضایت و کرامت بشری و خود کارآمدی و احساس موثر بودن) در تحول از وفاق مرسوم بسوی وفاق، راهبردی اساسی است. کنشگران چگونه و چرا دچار انفعال محض، بیتفاوتی و بی خویشی و هیچی و بی قدرتی و حتی تسلیم خشکی باورها و ساختارها و یا وانهادگی در برابر جریانهای مرسوم/بیگانگی و آسیب میشوند؟ استهلاک و زوال ارزش های عدالت-محور، و شراکت فعال کنشگر، چگونه دم به دم رنگ میبازد؟ سازو کارهای ارزش های عدالت-محور پدیده پیچیده است و با امکان بر ساختن خلاقانه رضایت، وفاق و ارتباط و مشارکت داوطلبانه و مسئولانه و گاه هم رنگی با مرسوم ها همبستگی مثبت دارد. کرامت انسانی و فخامت و نفاست حیات و پایداری اجتماعی در گرو التزام متین و جدی و مسئولانه به حقوق گروه های خاموش و طرد شده^۱ (کودکان کار، گروه ها و مردم مسکنت زده^۲، و دختران و زنان محروم و...) و عدالت میان-نسلی است. سیرینواس مینویسد: تفاهم با سازه مهمی به نام شراکت که گویاتر و الهامبخش ترازمشارکت است و با "اداره بهتر امور" و برانگیختن باورها سروکار دارد. اداره بهتر امور، کارآمدتر از برنامه ریزی است؛ زیرا به درگیر شدن فعال نظر دارد^۳ در شرکت دادن مردم امور اجتماعی و فرهنگی نتایج یا "خروجی ها"ی قابل توجهی مورد انتظار است به گفته یکی از پژوهشگران: "...اصل آهنین منافع شخصی را تغییر دهیم و به جای تأمین منافع آنی خود، به تحقق منافع نسلهایمان و بقای نوع بشر بیندیشیم (زاهدی، ۱۳۷۶).

¹ Muted /excluded groups

² Miserable

³ برگرفته از برگرفته از سایت: grade.org.

از نظر گاه مورد بحث این نوشته مجموعه هنجارها و ارزشها و تعهدات مورد قبول گروه اجتماعی بخش مهمی از ارزش های زیست محیط است. ادراک محیطی مثبت و ایجابی و انتظارات و وابستگی متقابل کنشگر فردی (توام با انصاف و عدالت و در نتیجه رضامندی) و من فاعلی/کنشگر یا من فعال و نقش اکتسابی و کوش آورد و یک گام پیشتر: "نقش تحقق یافته" و خودمدیریتی اودرمقایسه بانقش انتسابی اوپررنگتراست مفاهیم، مباحث و موضوعات اصلی رفتار در فرد جمع و اجتماع در این زمینه عبارتند از: شناخت داغ^۱ و شناخت سرد^۲، فرآیند ظهور شناخت اجتماعی، ارتباط، خود، ادراک، رشد، حافظه، محرک های سلامت، جذابیت، عشق، شخصیت، تقویت، تقلید، نقش، افکار قالبی و پیشداوری ها، اسناد، نفوذ، بیان هیجانات، که سرانجام در فرایند حل مسئله برای ایجاد آمادگی، کسب مهارت و آشنایی با شایستگی های حرفه ای لازم برای قبول مسئولیت های شغلی علمی و عملی در فرآورده و خروجی (دوچ و کراوس ۱۳۷۴، ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳).

در افق این نوشته، مطالعه انضمامی هستی واقعاً موجود و ممکن انسان و نه- لزوما هستی "کامل"- او، بررسی رابطه سازه های مادی با سازه های فرامادی در جامعه پیچیده وفاق ذی نفعان /گروه های اجتماعی وسیعی را می طلبد. رویکرد پیشنهادی در باره خرد و مناقشات عینی گرایان بانظریات ساختار- سازی اجتماعی، عمدتاً بر سر اساس دعوی ها، سوگیری در بعد فرامادی مبانی اجتماعی سیاستگذاری و شرایط و پیامد های اجتماعی است. همگرایی و ارزش های عدالت-محور چگونگی و میزان پرهیز از عمل زدگی و شکیبایی و کنش ایجابی نیاز انسانی و "توافقی" مهمی است. ماکس وبر در ربع اول قرن بیستم از عقلانیت روشنفکرانه^۳ علاوه بر عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی سخت گفته بود(هانیکان^۴، ۱۳۹۲).. به تعبیری باحفظ فاصله ای از عینی گرایان و واقع گرایان ازسویی و درواقع گرایان یاساختار- سازان اجتماعی افراطی ازسوی دیگر، "معارف -از جمله معارف مربوط به شرایط عینی- محصول کنش متقابل اجتماعی است. یعنی بر ساخت اجتماعی است" (رابینگتون، واینبرگ، ۱۳۸۲) در متنی دیگر اصطلاح عقلانیت متراکم ژاپنی ها را که عقلانیت ذاتی، ابزاری و محتوایی را در بر می گیرد، مفهوم سازی می شود (ریتزر، ۱۳۷۴). کلمن می نویسد: منظور از "سرمایه اجتماعی" جنبه ای از سرمایه انسانی است که گروهی از وابستگی های متقابل میان افراد را توصیف می کند که از ساختار اجتماع ناشی می شوند" (کلمن، ۱۳۷۷) سرمایه اجتماعی نشانه توجه مشخص به بعد فرامادی و مجموعه هنجارها و ارزشها و تعهدات مورد قبول گروه اجتماعی است.

بررسی امکان و جاهت مداخله در طبیعت

¹ Hot cognition

² Cold cognition

³ Intellectual rationality

⁴ Hannigan

در راه مداخله بهبودبخش، علاوه بر "خرد" - جنبه‌های کمی امور - از ارزش‌ها (اخلاقی و زیباشناختی) ارزش‌های عدالت - محور شامل اکولوژی فیزیکی و مادی و معنویت (بیروح نبودن و بیگانه نبودن؛ به زبان کمی تر: اکولوژی انسانی و غیر فیزیکی و روانشناختی)، جنبه ذهنی، کیفی، گاه واگرا، چندمعنایی و امکانات کرامت و آزادی عاملیت کنش گر فردی و جمعی باید بهره مند شد. دسترسی به ارزش‌های عدالت - محور و اتخاذ وفاق بر سر آن و معنویت (بیروح نبودن و بیگانه نبودن) ارتباطات انسانی.

یکی از کارکرد های ارزش‌ها (اخلاقی و زیباشناختی)، ترکیب سیاست و عدالت آموزشی و نظر و کنش رسمی و آشکار با حکمت دانش ضمنی و پنهان و بومی است. با تغییر نسبت یافتن عقل و عواطف در فرایند سیاست و عدالت آموزشی و همچنین تعامل در عرصه جمعی آنها خود را ارتقاء می بخشند و از سویی ابعاد فرامادی و مبانی اجتماعی سیاست‌گذاری و ارزش‌ها را نیز غنی و پرمایه می سازند. از دیدگاه حوزه مطالعات فرهنگی کنشگران در تعامل با ارزش‌ها (اخلاقی و زیباشناختی) و سیاست گذاری راهبردی از پوزیتیویسم و دو انگاری های رایج و "هسته سخت" ذات باوری، بیگانگی سوژو و ابژه و تمایز مالکانه و مهاجمانه انسان فراتر می روند. و از تعیین‌های انضمامی پیش بینی پذیر به سوی کیفیت فرامادی و "حکمت" دانش ضمنی و پنهان بومی، فناوری سبز، شکل گیری مداوم هدف‌ها، مبانی، نمادها و همراه و در حین کنش عدالت - محور حرکت می کنند.^۱ توجه به بعد فرامادی پیچیده، بعد زیباشناختی و خصیصه و کارکرد ارزش‌های عدالت - محور شامل رضایت عمیق درونی را هم می تواند در برگیرد. نظریه فرصت، نظریه مقاومت و نظریه‌های اصلاحی و غالب نظریه های انقلاب حاکی است که در پروژه‌های بهبود یا انقلاب، امکان دخالت کنشگران نخبگان گوناگون (قدرت، ثروت، معرفت و منزلت) روشنفکران سپهر عمومی، ناقدان، معلمان، مصلحان و انقلابیون مطرح می شود. در شرایط "جامعه پرخطر" به تعبیر اولریش بک چه باید کرد؟ چگونه می توان منافع درهم تنیده و حتی فرامرزی آرا با حق کنش‌گری مؤثر و پر شور کنش‌گران پیوند داد تا از فقر الگو، روزمرگی و انجماد ساختارها بتوان رهش کرد؟

نتیجه‌گیری میزان موفقیت هر برنامه اجتماعی بستگی دارد به توجه به تناسب مشخص ابعاد مادی و ابعاد فرامادی امر اجتماعی و کیفیت‌هایی چون رضایت حداکثری گروه‌های هدف و "بی روح" نبودن وسایل و هدف‌ها، فرایندها و برون‌دادها. و این مبتنی بر تواضع، خرد و حکمتی است: همه چیز را در مورد طبیعت و انسان نمی دانیم و تواضع از خردمندی است. مفروض نوشته این است که ساختارهای فرا فردی به معنای تجربه زیسته

^۱ در واقع همانطور با خواندن کتاب ژول ورن نمیتوان زیر دریایی ساخت (فروم، اریک داشتن یا بودن، چاپ چهارم، انتشارات فیروزه، ۱۳۸۷).

وزیست جهان عاملان وحاملان آن وقتی عادلانه است که به وسیله ارزش های عدالت-محور نیروهای اجتماعی موجود و نیروهای فرهنگی موجود، تولید شود و خود را بازسازی مبتکرانه کند و حتی به "ابداع سنت" برآید.

می توان از برخی دو انگاری های زیانبار رایج مانند کهنه و نو و گذشته و حال اجتناب کرد. برایان فی می نویسد: "دو انگاری ها این امکان را نمی دهد که هریک از دو طرف تقابل رانیاژمند و مکملان طرف مقابل فرضی بدانیم" ("فی، ۱۳۸۱) گذشته و حال در هم می آمیزند" (فی، ۱۳۸۱). برای غنای ارزش های عدالت-محور، ضروری است که به گسترش امکان "وضعیت کلامی مطلوب" برای برنامه ریزی تعاملی یاری کرد.

معنای مورد نظر نگارنده این است که برای راهگشایی خردمندانه در وهله اول افق رویکرد چنان باشد که علوم، در روندی عادلانه اجرایی شوند و روندهای عادلانه اجرا، علمی شوند. ورود دانشگاہیان به عرصه های مسایل عدالت-محور از رهگذر "اقتصادیادگیرنده آخرین نسل دانش بنیان" ضروری شمرده اند اما از منظر ارزش های عدالت-محور کمتر بدان توجه شده است. در جامعه مدنی جهانی عدالت از محدوده خرده نظام سیاست به سوی سپهر عمومی و خرده نظام های دیگر گسترش می یابد و با درک خلاقانه از نظریه ها و کاربردهای آن در زمینه داوری، انتخاب و تصمیم گیری و توزیع مناسب یا ایجاد فرصت ها با حل تعارض های مرتبط با عدالت و مشروعیت و اتخاذ شیوه توافقی به انصاف و حکمرانی خوب می توان نزدیک شد. توسعه و تعالی نیکبها، رفاه و آزادی، برابری، حقوق انسانی و زیبایی ها" و ارزش های عدالت-محور، ارزشهای معنوی (بیروح نبودن و بیگانه نبودن؛ به زبان کمیتر: سرمایه طبیعی و روانشناختی فقط بارنگ سیاه و سفید نیست و ساختن از پایین به بالا و در فرایندی که باید آن را "موجیبت چندجانبه" در بستر ارزش های عدالت-محور نامید تحقق می یابد. در مسیر تصحیح و تنظیم و ترمیم عدالت-محور، دل و مغزو همت و دست و مجموعه ها از جمله بدنه کنشگر فردی، اجتماعی و سازمانی و گاه فرامرزی همسو شوند.

برخورداری از امکانات مادی مثلاً منابع انرژی آسان یاب و رایگان هم اگر با ارزش های عدالت-محور نباشد ممکن است وضعی وارونه و خلاف انتظار اولیه پدید آید منابع به موانع تبدیل شوند! مثلاً گزارش "نفرین منابع نفتی" و رانتجویی" در ۱۶ کشور نفتخیز"، از توزیع غیر عادلانه درآمد و کارایی کمتر خبر داده اند (تیمور رحمانی و ماندانا گلستانی، معید فروحاضری، ۱۳۹۰). نظریه نفرین منابع از ژوزف استیگلیتز^۱، به شناخت این چگونگی و وارونگی کمک می کند (بر گرفته از ideas.repec.org).

¹ Stiglits, Geoseph

با وام گیری از مبتکر اصطلاح یا نظریه "جامعه کوتاه مدت" ایران، آن را "عدالت کوتاه مدت ایران" بنامیم. گاه تاثیر کارکردهای (گاه ناخواسته) بر جریان تولید و صنعت، علوم، آموزش، پژوهش و ارزشیابی به بحران تبدیل می شود.

فرض (البته مناقشه انگیز) تکنوکراسی و بوروکراسی مطلوب این است که باید سرویس دهنده خوب باشند نه دستوردهنده. اولین علامت موفق نبودن، مولدنبودن اندیشه در تولیدکیفیت های یاد شده، اکتفا به رویکرد غیر تعاملی و غیرتوافقی در مدیریت جامعه ونهادها ونبود توجه کافی به تناسب مشخص ابعاد مادی و بعد فرامادی امر اجتماعی است. این وضعیت سبب تکرار و بازتولید فقر الگو و از جمله فقر مبانی اجتماعی و اخلاقی سیاستگذاری می گردد. میزان موفقیت، یعنی مداخله هایی که، مربوط است به انگیزه و توانایی در ایجاد و گسترش وفاق اجتماعی و فرایندهایی که با آن سیاستگذاری، تصمیم سازی و تصمیم گیری تفاهمی خردمندانه و هنرمندانه صورت می گیرد، در سطوح فردی، و در سطوح جمعی و اجتماعی در نهادهایی مانند قوه قضاییه، وسایل ارتباط جمعی، آموزش و پرورش، نهادهای قانون گذاری، شبکه سازمانی (در سطوح تشکیلاتی و تخصصی) و فرآیند جذب و پذیرش یافته ها و توصیه های آن در سطوح فرهنگ عمومی) میدان مداخله اند.

نتیجه گیری

به لایه های مرتبط و متداخلی شامل سیاستگذاری و مدیریت فن شیفته، رویکرد غیرتوافقی تهاجمی و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره وری لجام گسیخته و راه های برون رفت، اشاره شد. مدیریت زیست محیط و اقتصاد یادگیرنده نیز راه حل هایی است که از آن ها معمولاً سخن می رود می توانند بخشی از سیاستگذاری و برنامه ریزی تعاملی باشند؛ حتی عزم حاکمیتی بدون جلب اعتماد عمومی استوار و توافقی نتایج پایدار به دست نمی دهد. حتی جنبه های فرامرزی و فناوری های نوین که حقوق بین الملل، سیاست و عدالت آموزشی و حقوق بشر را تحت تاثیر قرار می دهند. برای سیاستگذاری، روابط پراستعداد، در شبکه اطلاعات ومهمترین شاخص سرمایه اجتماعی اعتماد؛ باور به استقلال پرشور فرد در عین همدلی او با دیگران، اقبال به میدان عمل، وجهت دادن روابط اجتماعی به سوی جامعه مهربان، حتی المقدور پرهیز از راه حل های غیرتوافقی، تکنوکراتیک، دیوانسالارانه و سرمایه طلب، از مسیر ارزش های عدالت-محور، شدنی است. با ترکیب سیاست و عدالت آموزشی و نظر و کنش رسمی و آشکار، دانش ضمنی و پنهان موقعیت سرشار از اعتماد و مشارکت وامکان گره گشایی و برای تعریض ساختارها فراهم می آید. پژوهش دانشگاهی در مسئله تفاهم عالمانه برسر معضلات از منظر ارزش های عدالت-محور در رابطه ای تعاملی با روش شناسی کلاسیک و احیاناً محافظه کارانه، شاید ظرفیتی هم دارد که راه حل های از جنس دانایی و "حکمت" دانش ضمنی و پنهان بومی، فناوری سبز، راچهره جوانی ببخشد. آموزش عالی و دانشگاه ها سه کار مرتبط با سیاستگذاری

عدالت-محور می توانند کارایی درونی خود را عملاً نشان دهند: مفهوم عدالت اجتماعی^۱ باید در حکم معیاری مهم و چونان عمل فرهنگی رهایی بخش تلقی شود. عدالت ادراک شده و اقتصاد یادگیرنده سبب می شوند عدالت رویه ای مستقر شود. انگیزه های مثبت برای ارتقای هویت جامعه، گروه، فرهنگ سازمانی و فردی، اعتماد، علاقه، معنویت، صمیمیت و همدلی، احساس عزت جامعه، گروه، فرهنگ و سازمان ناشی از ارتقای پلکانی مناصب، حوصله، پشتکار حمیت و عرق^۲ جامعه، گروه، فرهنگ و سازمان در فضای کار و یادگیری و رشد مداوم توأم با قانون گرایی، احترام و احساس موثر بودن^۳ و مشارک بودن، لذت در محیط کار فعال و د: نظارت و دیسیپلین عادلانه ای که هم از کنترل تحکمی و خشونت (که ملازم و مستلزم تخریب هویت هاست) و هم از اهمالکاری^۴ و تنبلی^۵ به دور باشد. شرایطی که حقوق و اخلاق حرفه ای و انسانی انتخاب و انتصاب و ارتقای پلکانی (عادلانه و شایسته -محور) را پاس بدارد و هر جا که خلایق قانونی هست سنن و عرف منصفانه معمول و وجدان علمی و حرفه ای مینا و پایه اعمال استاندارد ها و معیار های حل تعارض باشد. آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی. خدمات اجتماعی. دانستن، شرط مهم بهبود سیاستگذاری و عدالت است زیرا تمام ذهن را درگیر می کند: با خود آگاه و ناخود آگاه، منطقی و شهودی، شناختی و تخیلی، عمل کردن و تجربه زیسته ذی نفعان ارتباط برقرار می کند. متأسفانه مدیریت یکسوی گاه از منتقدان خود سلب صلاحیت و مشروعیت می کند. علوم تربیتی، دانشگاه و روشنفکران کمک کنند تا مهندسی های رایج علم را به دستگاه و نهاد خنثی یا ایده نولوژی محتوم تنزل ندهند.

دانشگاه ها می توانند به شناخت چگونگی مثله شدن و رهایی ارزش های عدالت-محور در ساختار های فرا فردی مکانیکی و تجاری سازی را کمک کنند. مفروض این است که نخبگان علمی از جمله دانشگران و آموزش عالی می توانند با کنش مستقیم و ورود به دنیای عمل، آغازگر کار کارستان مواجهه ایجابی، به عبارتی تولید و تکوین اجتماعی ارزش ها (عقلی، اخلاقی و زیباشناختی) و هنر و علم و الگوی چیدمان حداکثری اعتماد را فراهم آورند تا مسایل بشری و از جمله توسعه و ترقی را به مسئله فنی-مهندسی تقلیل نیابد. حمایت از سوگیری اقتصاد به سوی "اقتصاد یادگیرنده" در روابط اجتماعی به سوی جامعه مهربان، شور هنرمندانه و صبوری خردمندانه ضرورت دارد.

حمایت از سوگیری اقتصاد به سوی "اقتصاد یادگیرنده" در روابط اجتماعی به سوی جامعه مهربان، شور هنرمندانه و صبوری خردمندانه ضرورت دارد. انتظاری رود که با فهم عمیق ابعاد نوشونده فضای کنش

¹ Social justice

² Organizational vigilance

³ Feeling of impact

⁴ Procrastination

⁵ Organizational slack

و ادراک محیطی بهتر کنج‌های همدلی و زوایای پنهان اما فعال پدیدارهای زندگی کنشگران، موانع به منابع هم افزا تبدیل شود. تولید الگوی اعتماد، این مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی، متکی بر باور به استقلال پرشور کنشگر (فردی و سازمانی) در عین همدلی و فهم و نقد توسعه و ایجابی/ بیرون از خاص گرایی است. کوشش برای تفاهم پذیری، اقبال صادقانه به میدان عمل هم افزا و حتی المقدور پرهیز از راه حل‌های دیوانسالارانه و سرمایه طلب و نقد منصفانه ضروری است تا رویکردهایی که توسعه و ترقی را به مسئله فنی-مهندسی تقلیل داده اند و فقر الگو را پدید آورده اند باز شناسد.

اولین علامت موفق نبودن، مولد نبودن اندیشه در تولید کیفیت های یاد شده، مدیریت فن شیفته و اکتفا به رویکرد غیر تعاملی و غیر توافقی است. این وضعیت سبب تکرار و باز تولید فقر الگو می گردد؛ از جمله فقر الگو های اندیشه های تفکر انتقادی- ابتکاری عملی و نظری و در "توسعه"، اکتفا به رابطه قدرتی، تقلیل گرایی به منطق بازار رقابت و مصرف، و اکتفا به استاندارد ها و رویکرد غیر تعاملی و غیر توافقی. به عبارتی دیگر محروم شدن از سرمایه اجتماعی و متعاقباً گرفتار شدن به ضعف مبانی اجتماعی و اخلاقی و فقر الگوی سیاست گذاری است. کوشش برای تفاهم پذیری، اقبال صادقانه به میدان عمل هم افزا و حتی المقدور پرهیز از راه حل‌های دیوانسالارانه و سرمایه طلب و نقد منصفانه ضروری است تا رویکردهایی که توسعه و ترقی را به مسئله فنی-مهندسی تقلیل داده اند و فقر الگو را پدید آورده اند باز شناسد.

این فقر و تقلیل گرایی در شرایط اقتصادی و فرهنگی نا مولد، صورت ناکارآمد و آسیب زا به خود می گیرد و از این رو نگارنده آن را نشانه و "سندرم مصرف زدگی" می نامد. در مقابل آن سیاست گذاری به روش مولد، ایجابی و عاشقانه و مناظر وارگی^۱ امکان سنجی نسبت به پدیده های سیاست گذاری تعاملی توسط خبرگان، محرومان و حاشیه نشینان، و متخصصان و شهود هم اندیشان و امتزاج و ارتباط افق های واگرا و همگرایی گروه های ذینفعان و سرانجام، نقد توسعه و ایجابی همدلانه و از جمله نقد هنرمندانه ژرفانگرانه فرایندهای سیاست و عدالت آموزشی، محتوای بدیل ها و حرکت به سوی وفاق و هم افزایی از محقق برون می آید. مبانی اجتماعی سیاست گذاری، ارتباطات، مباحث میان رشته ای، اقتصاد عدالت پایه و رابطه آن با اقتصاد اقتصاد یاد گیرنده یا آخرین نسل دانش بنیان، رویکردهای بهبودگرا و تهذیب^۲- محور عدالت، حقوق کودکان و عدالت میان-نسلی (و گنجاندن آن در قانون اساسی)، در کنار مقولات فنی، از اهم زمینه ها و مضامین ارزش های عدالت-محور اند.^۳

^۱ Perspectivity نگارنده منظروارگی را معادل این واژه پیشنهاد کرده است:

^۲ Edification

^۳ دوره آموزشی که نگارنده به نام "صلح و محیط زیست" در مرکز گفتگوی تمدن‌ها سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ راه اندازی و تدریس کرد.

منابع

- اسکات، دیوید (۱۳۸۳). **رنالیسم و پژوهش تربیتی**، ترجمه شعبانی ورکی وشجاع رضوی، آستان قدس، تهران، ص ۱-۳.
- اسمیت، آلفردجی (۱۳۷۹). **ارتباطات و فرهنگ**، ترجمه مهدی بابایی، سمت، تهران .
- برک، پیتر (۱۳۸۱) **تاریخ و نظریه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، دانشگاه تهران، تهران، ص ۸،۳.
- خوانساری نعمت الله (۱۳۷۹)، فناوری زیستی و ایمنی زیستی، سازمان محیط زیست، تهران. {تعداد صفحات ۱۳۰}
- راینگتون، ارل. واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲) **رویکردهای نظری هفتگانه در مسائل اجتماعی**، ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص ۲۵۷. {تعداد صفحات ۳۱۷}
- رحمانی تیمور و ماندانا گلستانی، سعید معیدفر و علی محمد حاضری (۱۳۹۰) "تحلیلی از منابع نفتی و رانت جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفتخیز"، **دوفصلنامه مسایل اجتماعی ایران**، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) سال دوم .
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، **بنیانهای جامعه‌شناختی**. ترجمه تقی آزاد ارمکی، نشر سیمرغ، تهران.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۶). "توسعه پایدار و اصل آهنین منافع شخصی"، **مدیریت و توسعه** دوره ۱۱ شماره ۳، ۳.
- جانفرسا مجید، سید محسن مومن (۱۳۷۶)، **استانداردهای سیستم مدیریت زیست محیطی**، انتشارات اخوان، تهران.
- فروم، اریش (۱۳۷۵) **جامعه سالم**، ترجمه، اکبر تبریزی، انتشارات بهجت، تهران، ص ۳۷۵ .

فی، برایان (۱۳۸۱) **فلسفه امروزی علوم اجتماعی**، ترجمه خشایار دیهیمی، طرح نو، تهران، ص ۳۸۸، ۳۸۷، ۴۲۰.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **اقتصاد و جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات**، ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، طرح نو، تهران.

کلن، جیمز (۱۳۷۷) **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ص ۴۶۴.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ص ۷۶۷.

راد کلیفت، مایکل (۱۳۸۳) **توسعه پایدار**، ترجمه حسین نیر، وزارت کشاورزی، معاونت طرح و برنامه، تهران.

محسنی، نیک چهره (۱۳۸۷) از روانشناسی بین فرهنگی تا روانشناسی فرهنگی، **مجله روانشناسی و علوم تربیتی**، دانشگاه تهران، دوره جدید؛ شماره یک.

محمدی فاضل اصغر، صفایی محمد (۱۳۷۹) **ارزش جهانی تنوع زیستی**، سازمان محیط زیست، تهران.

منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶)، **پژوهش های تربیتی**، موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه خوارزمی و انجمن ایرانی تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.

هانیکان، جان (۱۳۹۲)، **جامعه شناسی محیط زیست**، ترجمه موسی عنبری، انور محمدی، میلاد رستمی انتشارات دانشگاه تهران، تهران. تعداد صفحات: ۲۷۵

هایدگر، مارتین (۱۳۷۳) "پرسش از تکنولوژی"، ترجمه: شاپور اعتماد، فصلنامه ارغنون، تهران. ۱-۳
هریسون لارنس، ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۳) **اهمیت فرهنگ**، مترجم گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، امیرکبیر، تهران.

شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۶) رئالیسم استعلایی و ثنویت کاذب در پژوهش تربیتی
میرسپاسی علی (۱۳۹۲) ، دموکراسی یا حقیقت انتشارات طرح نو ، تهران .

ایروانی و باقریان، (۱۳۸۳) شناخت اجتماعی روان شناسی اجتماعی نشر : ساوالان تهران .
دوچ مورتن ؛ روبرت م. کراوس (۱۳۷۴) نظریه هادر روانشناسی اجتماعی ترجمه: مرتضی کتبی ،
دانشگاه تهران موسسه انتشارات و چاپ، تهران .

Untied Nations (1987), Guidelines for Development, Planning:

Procedures: Methods and Techniques. New York.

Popper, R.K (1971) The Open Society and Its Enemies, New Jersey:

Princeton Univ.

Sztompka, <http://www.grade.org/rem/mire-than.html>

Pitury(1999), Trust a Sociological Theory, Cambridge, Cambridge,

University Press.

Willard, C.A, (1992) Liberalism and the Social Grounds of Knowledge,

Chicago: Univ. of Chicago Press

<http://www.grade.org/rem/mire-than.html> .

<http://www.au.reachout.com/What-is-spirituality> Target

<http://www.grammar.about.com/od/tz/g/targetdomainterm.htm>

ideas.repec.org/e/pst33.html

Developing Grounded Theory:

[http://www.faculty.babson.edu/krollag/org_site/craft_articles/glaser_strau
ss.htm](http://www.faculty.babson.edu/krollag/org_site/craft_articles/glaser_strauss.htm)

<http://www.gp.org/committees/platform/2010/introduction.php>

<http://www.jamaran.ir/>